

اخبار کارگری

بندی خبر داد:

پوشش بیمه روستایی برای یک میلیون و ۶۰۰ هزار نفر

سرپرست وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی از پوشش بیمه روستایی برای یک میلیون و ۶۰۰ هزار نفر خبر داد و گفت: ۱۷ هزار میلیارد تومان برای توسعه اشتغال روستایی در نظر گرفته ایم.

محسنی بندپی روز گذشته در پنجمین همایش ملی روز روستا و عشایر، با تاکید بر اینکه روستاهای کشور به عنوان نماد قوم، فرهنگ و تولید محسوب می شوند، افزود: در جمهوری اسلامی ایران روستا به عنوان نماد فرهنگ و تولید متاثر از فرهنگ ایرانی، محسوب می شوند، لذا برای حفظ فرهنگ خود و همچنین مقابله با تحریم های ظالمانه ترامپ باید توسعه روستاها در نگاهی همه جانبه به عنوان یک راه حل قلمداد شود.

وی با اشاره به مهاجرت از روستا به سمت شهرها و ایجاد مشکلات و آسیب های اجتماعی همچون حاشیه نشینی گفت: باید آسیب شناسی دقیقی در این حوزه انجام شود تا مشخص شود که چرا توسعه روستایی در کشور با مشکل مواجه شده است. وی ادامه داد: در حال حاضر برای توسعه روستایی در ریل درستی قرار گرفته ایم که مبتنی بر شواهد است و به ابعاد مختلف توسعه روستاها توجه می کند. باید نگاه همه جانبه ای را در پیش بگیریم تا روستاییان در روستا باقی بمانند.

سرپرست وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در تشریح اقدامات این وزارت خانه برای توسعه روستایی و ارائه تسهیلات به روستاییان، گفت: ۱۷ هزار میلیارد تومان برای توسعه اشتغال روستایی در نظر گرفته ایم که این مبلغ با گسترده گی رسته های شغلی همراه بوده است.

وی در بخش دیگری از صحبت های خود به بیمه روستاییان اشاره کرد و افزود: یک میلیون و ۶۰۰ هزار روستایی از بیمه روستایی بهره مند شده اند. همچنین در مناطق محروم یک وعده غذای گرم با هدف فقر زدایی ظرف چهار سال اخیر در مهد کودکها در مناطق محروم توزیع شده که در همین راستا توسعه ایم تا ۵۰ درصد فقر غذایی را در این مناطق کاهش دهیم.

وی ابراز امیدواری کرد که روستا به عنوان کانون تولید و توسعه کشور قلمداد و گام های موثرتری برای توسعه روستاها و جلوگیری از مهاجرت از روستا به سمت شهر برداشته شود.

■ ■ ■

رئیس کمیته مزد کانون عالی شوراهای

عقب ماندگی مزد کارگران به بیش از یک میلیون تومان رسید

رئیس کمیته مزد کانون عالی شوراهای گفت: براساس آخرین محاسبات انجام شده ۸۰۰ هزار تومان عقب افتادگی دستمزد کارگران، به یک میلیون و ۴۲ هزار تومان رسیده است.

فرامرز توفیقی در گفت و گو با فارس بابیان اینکه چهار ماده قانونی سرپرست وزارت کار را مکلف به برگزاری جلسه شورای عالی کار می کند، ادامه داد: وقتی سه نفر از اعضای اصلی شورای عالی کار تقاضای تشکیل جلسه اضطراری را می دهند باید این جلسه تشکیل شود و وقتی که تشکیل شد سرپرست وزارت کار فقط یک رای از ۹ رای دارد. نماینده کارگران ادامه داد: سرپرست وزارت کار می تواند جلسه شورای عالی کار را تشکیل دهد و در آنجا مخالفت کند، ضمن آنکه حتی مخالفتش بسیار بی منطق است چرا که در کمیته دستمزد که ذیل شورای عالی کار تشکیل شده یکی از اعضای فنی و متخصص زیر مجموعه وزارت کار و همچنین از دو وزارتخانه دیگر حضور داشتند و مصوبه کمیته دستمزد امضای آنها رسیده است.

رئیس کمیته مزد کانون عالی شوراهای اعلام اینکه براساس آخرین محاسبات انجام شده ۸۰۰ هزار تومان عقب افتادگی دستمزد که به تصویب گروه های سه جانبه در کارگروه مزد شورای عالی کار رسیده بود الان تبدیل به یک میلیون و ۴۲ هزار تومان شده است، ادامه داد: ما می گوئیم همان ۸۰۰ هزار تومانی که در کمیته دستمزد مصوب شد، مبنای قرار گیرد و شورای عالی کار برای نهایی شدن آن تشکیل جلسه دهد.

وی با انتقاد از موضع سرپرست وزارت کار مبنی بر منتفی دانستن برگزاری جلسه شورای عالی کار تاکید کرد: سرپرست وزارت کار حتی اگر وزیر هم بود نمی توانست در این مقام به تنهایی بگوید جلسه شورای عالی کار تشکیل نمی شود.

توفیقی تاکید کرد: گمره زدن سرنویست خانواده های کارگری به اینکه چه کسی وزیر می شود درست نیست. کسی که وزیر شد باید یاد بگیرد که اندیشه های فردی بر مسند وزارتخانه غلبه نکند و صرفا اجرای قانون اساسی و اجرای قانون مرتبط با حیطه وظایفش را باید در دستور کار داشته باشد و بر اساس برنامه پیش برود نه سلیقه شخصی.

بیکاری ۵ هزار نفر در استان قزوین

دلار بالای ۸ هزار تومان تولید را تعطیل می کند



نسرین هزاره مقدم

هیچ آمار دقیقی وجود ندارد. کسی نمی تواند برآورد کند که این روزها چه بر سر تولید آمده و چند درصد از واحدهای فعال کشور به اغمار افتاده. آنچه پس از کاهش ارزش پول ملی بر سر اقتصاد آمده، طول، عرض و عمق مشخصی ندارد. خیلی از واحدهای تولیدی، عطای تولید را به لقای ارز و دلار و سامانه نیما بخشیدند و درها را تخته کردند. نحسی این ناپسامانی حتی دامان کارگاه های کوچک و خانگی را گرفت و خیلی ها را که با سرمایه ای خرد مشغول درآمذایی بودند، زمین گیر کرد.

کاستن از ارزش پول ملی با هدف رسیدن به «نرخ های واقعی» و قابل رقابت، یکی از مولفه های اصلی «تعدیل ساختاری» و از سفارشات اکید صندوق بین المللی پول است. این سیاست شاید در کشورهایی که درهای بازی دارند، چندان نابودکننده نباشد که البته در آنجا هم صنایع وطنی را زمین می زند و اسباب استثمار بین المللی را فراهم می کند اما درایرانی که دنیا تلاش دارد درهایش را به روی جهان بسته نگاه دارد، موجب می شود هم صنایع ملی در تهیه مواد اولیه عموما وارداتی وایمانند و مجبور شوند در تولید را تخته کنند و هم به دلیل تحریم، خبری از شرکت های بزرگ فراملیتی نیست که بیایند و سرمایه گذاری کنند و در نتیجه تا حدودی از رشد نرخ بیکاری بکاهند. به همین دلیل است که غول بیکاری به تدریج بزرگ می شود و بر سر خانواده های کارگری سایه می افکند.

اقتصاد ایران تاب دلار بیشتر از ۷-۸ هزار تومان راندارد

وحید شقاقی شهری، اقتصاددان و استاد دانشگاه معتقد است اقتصاد ایران تاب دلار بیشتر از هفت، هشت هزار تومان راندارد و اگر این مرز رد شود که البته مدت ها است رد شده، سیل بحران نازل خواهد شد.

یکی از مهم ترین بحران ها، ناتوانی در تامین مواد اولیه است که البته در کنار آن، شوق صادراتی تولید کنندگان بالادستی هم وجود دارد. در نتیجه تولید کنندگان حتی تولید کنندگان

باسابقه مجبور می شوند خط تولید را بخوابانند یا ظرفیت را به میزان قابل توجهی کاهش دهند.

محمدی یکی از کارگران شرکت پلی اکریل اصفهان است که در بخش اکریلیک، سال ها سابقه کار دارد. او وضعیت شغلی خود را مبهم و نگران کننده توصیف می کند و می گوید: از ابتدای سال، بازگشتیم سر کار اما بخش ما همچنان تعطیل است. می گویند مواد اولیه، وارداتی ست و توانایی خرید نداریم. به ما کارگران گفته اند همچنان منتظر بمانیم...

بخش های اکریلیک یک و دو در پلی اکریل اصفهان، به علت ناتوانی در تامین مواد اولیه وارداتی، نتوانسته اند خطوط تولید را فعال کنند و کارگران این بخش ها، گرچه سر کار حاضر می شوند و دستمزد می گیرند اما همچنان بیکارند و چشم انتظار، در پلی اکریل، فقط بخش «پلی استر» فعال است چرا که تمام مواد اولیه مورد نیاز این بخش، داخلی ست و نیازی به ارز برای واردات ندارد. وقتی پلی اکریل، واحدی قدیمی، بزرگ و با توان ارتباطی و رایزنی بالا، نتوانسته ارز باقیمت مناسب پیدا کند و مواد اولیه بخرد، مشخص است چه بر سر واحدهای کوچک و متوسط، آمده است؟

قزوین شاه عباس؛ از آبادترین شهرهای آسیا

سراغ استان قزوین می رویم. قزوین یکی از استان های صنعتی و کارگری کشور است که با داشتن فضاهای صنعتی با سابقه مانند آبیک، شهر صنعتی البرز، شهرهای صنعتی الوند، لیا و کاسپین و بسیاری شهرک های صنعتی کوچکتر، برای دهه های متوالی، یکی از پیشخان صنعت کشور بود. استقرار صنایع در قزوین، از زمان صفویه آغاز شد و در گذر زمان با ورود مدرنیته و صنایع مدرن، شکل و شمایل جدیدی به خود گرفت، اما این روزها حال صنعت قزوین خراب است. پترو دالوا، جهانگرد ایتالیایی که در زمان شاه عباس صفوی به ایران آمده و شهرهای بزرگان زمان از جمله اصفهان و قزوین را از نزدیک دیده، ابریشم بافی، بافندگی و ریسندگی را از

صنایع قزوین برمی شمارد و می گوید: قزوین زمان شاه عباس، از آبادترین و معمورترین شهرهای آسیا ست و دارای صنعتگران ماهری ست که با همتایان اروپایی شان برابری می کنند. قزوین معمور شاه عباس، امروز چطور روزگار می گذراند. عیدعلی کریمی، دبیر اجرایی خانه کارگر قزوین که از نزدیک مشکلات تولید و اشتغال را در استان قزوین دنبال می کند، در رابطه با آخرین وضعیت واحدهای تولیدی و صنعتی این استان می گوید: عدم ثبات ارز، واحدهای تولیدی استان قزوین را دچار مشکل کرده است. چون قیمت ارز ثابت ندارد، شرکت ها نمی توانند برای تولید، برنامه ریزی بکنند

در هفته های اخیر، مساله «عدم ثبات ارز» مزید بر علت شده، شرکت های تولیدی نه می توانند مواد اولیه بخردند چون نگرانند که قیمت، پایین بیاید و نه حاضر به فروش محصولات هستند چرا که می ترسند گران شود، بنابراین برنامه ریزی حتی کوتاه مدت آن هم مشکل است. همین نگرانی ها و عدم امنیت «حاشیه سود»، ریسک پذیری شرکت های تولیدی را پایین آورده و حتی تولید کنندهای که مواد اولیه خود را پیش از بالا رفتن قیمت ارز خریده اند، حاضر نیستند اجناس تولیدی خود را به قیمت ارزان بفروشند. استدلال شان هم این است که به بازار ارز اعتمادی نیست! هر روز بالا و پایین می شود، شاید مجبور شویم مواد خام را گران بخریم!

لاقل مشکلات کامیون داران را حل کنند

کریمی، مشکلات دیگر را هم برمی شمارد: مواد اولیه و واسطه ای وارداتی، گران است و بسیاری از شرکت ها ناتوان از خرید هستند. مسائل کامیون داران هم مشکلات را عیدیه کرده. شرکت ها مشکل حمل و نقل دارند، نه می توانند بار بیاورند و نه می توانند محصولات را از انبارها خارج کنند.

کریمی می گوید: ۶۰-۷۰ درصد واحدهای تولیدی استان قزوین در کما هستند. ۳۰ درصد باقیمانده هم فقط چراغ نشان روشن است و

وحید شقاقی شهری،

اقتصاددان و استاد دانشگاه

معتقد است اقتصاد ایران

تاب دلار بیشتر از هفت،

هشت هزار تومان راندارد و

اگر این مرز رد شود که البته

مدت ها ست رد شده، سیل

بحران نازل خواهد شد

به اصطلاح «لک و لک» می کنند. او آمار تعدیل ها را وحشتناک توصیف می کند و می گوید: مردم حقوق بگیر دارند «فوج فوج» بیکار می شوند. در همین استان قزوین، ماه گذشته (شهریور) نرخ تعدیل بسیار بالا بود.

در آبیک ۲۴۸ نفر، در شهر صنعتی البرز ۲۲۶ نفر، در بوئین زهرا ۴۴ نفر، در تاکستان ۱۵۱ نفر و در قزوین ۲۱۲ نفر تعدیل شدند که در مجموع می شود ۸۸۱ نفر تعدیلی در یک ماه. کریمی ادامه می دهد: این اعداد فقط برای یک ماه بود. در شش ماه گذشته، ۴۸۲۰ کارگر در استان قزوین تعدیل شده اند. تازه این آمار، قطعی و دقیق نیست و فقط مربوط به واحدهایی ست که تعدیل و تعطیلی را به اداره کار خبر می دهند. خیلی واحدهای کوچک هستند که درش را می بندند و می روند و هیچکس هم خبردار نمی شود.

کریمی یک سوال اساسی را مطرح می کند: بهای کالا های اساسی ما از شب عید تا امروز، حداقل صدرصد بالا رفته. چه فکری می خواهند برای حقوق بگیران بکنند؟ نماینده مجلس و معاون و مشاوری که از چند جا حقوق می گیرد معلوم است که حال مز دیگران را نمی فهمد. چنین فردی طبیعی ست که فکری به حال کارگران و بازنشستگان هم نمی کند. فقط می گویند «تحمل کنید». مردم هم دارند تحمل می کنند، اما تا کی؟

تاثیر مخرب، تورم زا و غیر قابل جبران گرانی و بی ثباتی نرخ ارز تا کجا پیش خواهد رفت و اگر این روند، متوقف و اصلاح نشود، چه بر سر تولید نوپای ایران خواهد آمد؟ وحید شقاقی شهری

با تاکید بر اینکه اقتصاد ایران دلار بیش از هفت یا هشت هزار تومان رانمی تواند تحمل کند، مشکل ورشکستگی بنگاه های تولیدی را زاییده دو عامل می داند: قدرت خرید روبه کاهش مصرف کنندگان داخلی و بالا رفتن شدید قیمت مواد خام و قطعات.

خط «فقر نسبی» در تهران، بالای ۵.۵ میلیون تومان است

وی می افزاید: متوسط درآمد ایرانی ها، حدود دو میلیون تومان است. من «فقر نسبی» را که تعریف آن داشتن زندگی آبرومند با حداقل امکانات است، برای سال ۱۳۹۶، در تهران، حدود سه و نیم تا چهار میلیون تومان و در شهرستان ها حدود ۲ میلیون و ۸۰۰ هزار تومان برآورد کرده بودم. با اتفاقاتی که افتاده و قیمت ارز بالا رفته، بین ۳۵ تا ۱۲۰ درصد قیمت کالاها افزایش یافته. کالاهایی که مواد اولیه یا قطعات وارداتی کمتری داشتند، ۳۰ تا ۳۵ درصد گران شدند اما کالاهایی که کاملاً وارداتی بودند مثل خودرو یا تلفن همراه، بیش از ۱۰۰ درصد افزایش قیمت داشته اند. میانگین افزایش قیمت کالاها، حدود ۵۰ تا ۶۰ درصد است، بنابراین حدود ۵۰ تا ۶۰ درصد، قدرت خرید ایرانی ها کاهش یافته. بنابراین برآورد جدید من برای اسمال، براساس همان شاخص «فقر نسبی» در تهران بالای ۵.۵ میلیون تومان و در شهرستان ها بالای ۳.۵ میلیون است. این راهم اضافه کنم که همه برآورد هایم براساس دلار ۸ هزار تومانی ست. هر چقدر دلار بیشتر از ۸ هزار تومان باشد، وضع بدتر می شود. حداکثر توان اقتصاد ایران هم همین ۸ هزار تومان است. با همین نرخ هم، همه اعضای خانواده باید شبانه روزی کار کنند تا بتوانند به آن خط فقر نسبی نزدیک شوند.

بین ۳۰ تا ۶۰ درصد قطعات بنگاه های تولیدی، وارداتی ست

این اقتصاددان تاثیر این اعداد و ارقام بر تولید را متذکر می شود: این شرایط بر «بازار کالا» تاثیر می گذارد. طبیعتاً بنگاه های تولیدی ما از کاهش قدرت خرید مردم ضربه می خورند. هر چه قدرت خرید مردم کاهش یابد، نرخ فروش کالاها کم می شود و موجودی انبارسار تولید کنند ها بالا می رود. از طرف دیگر، هزینه تولید خود بنگاه ها هم بالا رفته. بین ۳۰ تا ۶۰ درصد قطعات بنگاه های تولیدی ما، وارداتی ست. حتی قطعات داخلی هم افزایش نرخ داشته اند. برای مثال، پتروشیمی ها و فولادی ها نرخ محصولات خود را افزایش داده اند. می خواهم بگویم هزینه تولید بنگاه ها به صورت سرسام آوری بالا رفته و با افزایش هزینه تولید، «حاشیه سود» کم می شود و طبیعتاً فروش کاهش می یابد و در نتیجه امکان دوام بنگاه ها در اقتصاد ایران پایین می آید.

«ما چه خواهد شد؟» شقاقی می گوید: اگر دولت نتواند دلار را بیاورد زیر ۸ هزار تومان و ثبات و پایداری نرخ آن را تامین کند، ما شاهد تعطیلی بنگاه هایی خواهیم بود که ۲۰-۳۰ سال است با زحمت بسیار و به رغم مشکلات اقتصادی و سیاسی، خودشان را سر پا نگه داشته اند. دولت

توجه داشته باشید

یکی از مهم ترین بحران های

ناشی از افزایش قیمت

ارز، ناتوانی در تامین مواد

اولیه است که البته در

کنار آن، شوق صادراتی

تولید کنندگان بالادستی

هم وجود دارد. در نتیجه

تولید کنندگان حتی

تولید کنندگان با سابقه

مجبور می شوند خط تولید

را بخوابانند یا ظرفیت را به

میزان قابل توجهی کاهش

دهند

اگر نتواند حمایت های درست، به موقع و هدفمند صورت دهد، شاهد تعدیل گسترده نیروی انسانی خواهیم بود و این مشکلی ست که بیش از همه اقتصاد ما را تهدید می کند.

احتمال تعطیلی بنگاه های تولیدی بالا ست

وی ادامه می دهد: نگرانی من از این است که دولت نتواند اهمیت موضوع را درک کند. وزارت صمت هم به اندازه کافی فعال نیست، بنابراین احتمال تعطیلی مکرر بنگاه های تولیدی بالاست.

این اقتصاددان برای حمایت های هدفمند دولت، نمونه می آورد: به عنوان مثال دولت می تواند به بنگاه ها بگوید تا دلار ۴۲۰۰ تومان، هزینه قطعات و مواد اولیه با خود شما، از آن به بالا را من دولت پوشش می دهم. حداقل باید به نحوی کمک کند که بنگاه ها سر پا بمانند. تعطیلی بنگاه ها عواقب بسیار بدی دارد؛ تعدیل نیروی انسانی، نبود کالاها، از دست دادن توان صادراتی و افزایش کسری تراز پرداخت ها، همه و همه از عواقب ناگزیر تعطیلی بنگاه های تولیدی ست.

وی «نوسان قیمت ارز» و بی ثباتی نرخ آن را یکی دیگر از مشکلات بحران زا می داند: در کنار اهمیت کاهش نرخ ارز، تثبیت نرخ هم اهمیت بسیار دارد. بالا و پایین رفتن مدام نرخ ارز، بازار را دچار سرگیجه و در نهایت «رکود» می کند. در صورت نوسان مدام، تولید کنند ه، وارد کننده یا صادر کننده نمی داند چه باید بکند. برای دو ماه آینده خودش هم نمی تواند برنامه ریزی کند. اینجاست که کار دولت و به خصوص وزارت صمت بسیار مهم است. متأسفانه چون وابستگی اقتصاد ما به دلار بالاست و بنگاه های تولیدی مایبشتر «مونتاژ کار» هستند، مشکل روز بروز حادتر می شود. واقعاً نمی دانم دولت چه برنامه ای برای حفظ بنگاه های تولیدی دارد. اوضاع کنونی که به شدت نگران کننده است و بارقه ای از امید در چشم انداز نیست...

به نظر می رسد وضعیت موجود را نمی توان به یک «بحران موقت» یا یک موج زودگذر تقلیل داد و نمی توان از آن به سادگی گذشت. حرف آخر «وحید شقاقی شهری» ساده و سراسر است: «همه باید تلاش کنند که نرخ دلار کاهش پیدا کند، در غیر این صورت تبعات بسیار سنگینی در انتظار ماست».

توجه داشته باشید

در این نامه وضعیت اقتصادی حاکم بر کشور برای کارگران به عنوان نیروهای مولد سخت و غیر قابل تحمل توصیف شده و به ناکافی بودن حقوق و دستمزد آنها با توجه به شرایط تورمی امروز اشاره شده است. بر همین اساس اهمیت تشکیل جلسه شورای عالی کار به منظور بررسی و ترمیم دستمزد و تامین حداقل معیشت به عنوان دو مطالبه منطقی و قانونی مورد تاکید قرار گرفته است.

مورد تاکید قرار گرفته و به دلیل به نتیجه نرسیدن

پیگیری ها، عمل به قانون و خواست شرکای اجتماعی برای برگزاری جلسات شورای عالی کار از سرپرست وزارت کار مطرح شده بود. اما این نامه به رغم آنکه رسانه ای شد و به اطلاع وزارت کار هم رسید، همچنان نتیجه ای نداشته، تا اینکه این بار کانون عالی انجمن های صنفی کارگران به عنوان دومین شکل کارگری کشور در بیانیه ای مراتب اعتراض خود را به این موضوع اعلام کردند.

اعتراض کانون انجمن های صنفی به تعطیلی شورای عالی کار

کارگران را خواستار شدند. در نامه نمایندگان

کارگران به انوشیروان محسنی بندپی، سرپرست وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، فشار مضاعف بر خوارهای کارگری و کاهش قدرت خرید کارگران به دلیل شرایط اقتصادی پیش آمده

کار برای تشکیل جلسات شورا مورد بی مهری

وزارت کار قرار گرفت. آنان با ارسال نامه ای به سرپرست وزارت کار مراتب اعتراض خود را نسبت به عدم توجه به این مطالبه قانونی نشان داده و برگزاری جلسه فوری برای ترمیم مزد و معیشت

پس از کانون عالی شوراهای اسلامی کار،

کانون عالی انجمن های صنفی کارگران نیز در اعتراض به عدم برگزاری جلسات دستمزد شورای عالی کار بیانیه ای صادر کرد. پس از آنکه درخواست نمایندگان کارگران در شورای عالی